

**بررسی ماهیت و چیستی ایمان کامل و خالص در شرح نهج البلاغه  
از دیدگاه ابن میثم بحرانی**

ساره عزیزی\* / محمد کاظم رضازاده جودی\*\* / نفیسه فیاض بخش\*\*\*  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

**چکیده**

ایمان دارای دو قسم: ایمان به حق که معرفت قلبی، اقرار به زبان و عمل به ارکان یعنی صبر، یقین، عدل و جهاد است. و ایمان به باطل که همان کفر بوده و شعبی دارد از جمله: وسوسه گری و کنجکاوی نابجا، ستیزه جویی و جدل، انحراف از حق، و لجاجت و دشمنی با حق و ناسازگاری و لازمه شناخت ایمان کامل نیز شناخت کفر و شک و اصول و فروع آنها می باشد. ایمان متعلق دین و اطاعت است، و علم دین همراه با اعتقاد و التزام عملی است. ایمان تصدیق گزاره های اسلام یعنی ایمان به خدا، علم غیب، ملائکه، حضرت رسول ﷺ و انبیاء پیشین، قرآن و کتاب الله، امامت، و معاد است، که البته مربوط به حکمت عملی و اخلاقیات بوده و علمی مسموع، که باید مطبوع و مبتنی بر فطرت باشد و ایمانی صادق است که به آنچه در نزد پروردگار است، مطمئن تر باشد از آنچه در دست خود دارد و هدف نهایی آن کمال نفس آدمی در تصدیق توحید خداوند و توکل است که از آن باعنوان ایمان خالص یاد می شود، که در این نوشتار به روش ترتیبی، موضوعی و توصیفی به بررسی ماهیت و چیستی ایمان در شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی**

ایمان - کفر - شرح نهج البلاغه - ابن میثم بحرانی - دین.

\*. دانشجوی دکتری، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
[Sareh.Azizi110@gmail.com](mailto:Sareh.Azizi110@gmail.com)

\*\* . استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
[mkrjoudi@yahoo.com](mailto:mkrjoudi@yahoo.com)

\*\*\*. استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
[nafisehfayazbaksh@yahoo.com](mailto:nafisehfayazbaksh@yahoo.com)

### ۱. بیان مسئله:

از مهمترین مقوله‌های دین و اساس سعادت اخروی ایمان است. یقیناً شناخت ماهیت آن، به عنوان امری دینی دارای اهمیت و ضرورت است. مبحث «ایمان» از مهمترین مباحث حوزه فلسفه دین و الهیات محسوب می‌شود. ایمان، اساس دینداری اسلامی و جوهره انسانیت است که مفهوم شناسی ایمان و رابطه آن با عمل، علم، جهل، کفر، شک و تردید از دیرباز مورد گفتگو بوده است. گاهی عده‌ای به تقابل و ناسازگاری و گاهی نیز ارتباط و پیوستگی میان این دو را مطرح کرده‌اند. به نظر می‌رسد که کمال الدین ابن میثم بحرانی تصویر دقیقی از «ایمان کامل» را به روش فلسفی-کلامی در شرح نهج البلاغه حضرت امام علی (علیه السلام) ارائه کرده است.

ایمان دینی مبتنی بر اختیار و عقلانیت و اعمال صالح مایه رویش و زایش و رشد است. «مسئله ایمان خالص و کامل را در نگاه حضرت امام علی (علیه السلام) با تکیه بر شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی» در اینجا مورد بررسی واقع شده است که تا بحال کار نشده است و جهت اعتلای دین مثمر ثمر است.

### ۱.۲. روش تحقیق:

این پژوهش به روش ترتیبی و موضوعی کلیه مباحث را جمع‌آوری و دسته‌بندی نموده است و سپس بصورت توصیفی به تفسیر شرایط و روابط آنها پرداخته است یعنی؛ تمام خطبه‌ها، نامه‌ها، و حکمت‌ها به ترتیب مطالعه و در هر متن آگاهی اولیه‌ای را که لازم دارد در آن منابع و اسناد و موضوعات و اهداف تحلیل شده و سپس قواعد فهم درست واژه‌ها و مفردات و ترکیبات و احادیث و سیره حضرت علی (علیه السلام) و علوم مرتبط با آن لحاظ شده است. همچنین موضوع مطالب را مستقیم و غیر مستقیم بدین صورت تشریح و تبیین و دسته‌بندی شده به طوری که در آن موضوعات زیر مجموعه‌ای هم قابل مطالعه پژوهشی هستند. ذکر این نکته ضروری است هرچا کلمه شرح و شماره خطبه یا نامه یا حکمت ذکر شده است مشخصاً شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی است که برای دیدن مطالب بیشتر ارجاع آمده و هرچا ارجاع بدون کلمه شرح ذکر شده مراد خود نهج البلاغه است.

### ۲. ویژگی‌های شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی:

کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی معروف به مفیدالدین، محدث، فقیه، متکلم شیعی، از علماء عراق و بحرین، در قرن هفتم، ۶۳۶ ه. ق مصادف با ۱۲۳۹ میلادی هم اهل حله در عراق بوده و هم در بحرین زندگی کرده است، ولی در منابع تاریخی برای حضورش مدت مشخصی ذکر نشده است،



وی اواخر عمرش در الدونج یا هلنا در ماحوز بحرین در سال ۶۹۹ ه. ق / ۱۲۹۹ م دار فانی را وداع گفت. خواجه نصیرالدین طوسی نزد او فقه را یاد گرفته است، و او هم کلام را از او آموخته است و تخصص خاصی در فقه استدلالی داشته است. در علوم عقلی و فلسفه و عرفان و نقل از همگان سرآمد زمانه بوده است و روش وی در شرح نهج البلاغه فلسفی-کلامی است. (عاملی، ۱۳۸۵ ه. ق، ص ۳۳۲)

سه شرح از ابن میثم به یادگار مانده است که معروف به شرح کبیر، شرح صغیر، شرح کلمات قصار حضرت علی (علیه السلام) است. «شرح کبیر» معروف به «مصباح السالکین» است که آن را برای عطاملک جوینی حاکم بغداد نوشته و شرح صغیر را برای دو فرزند عطاملک استخراج کرده و خلاصه ای از شرح کبیر است که به اسم «اختیار مصباح السالکین» معروف است که با این کتاب افکار جوانان سنی بغداد را به تشیع سوق داد و شرح سوم، معروف به شرح «المائه کلمه» (صدکلمه) است که نام دیگر آن در برخی کتب «منهاج العارفین» است. از بزرگترین شرح نهج البلاغه، شرح کبیر ابن میثم بحرانی است که شامل دو بخش می‌شود: ۱- مقدمه مفصل ۲- متن آن، که به صورت ترتیبی است. از ویژگی‌های شرح کبیر که براساس دو مولفه دسته بندی شده این است که:

ویژگی اول: پیش از شرح متن شامل: بیان سبب ورود، ذکر تاریخ صدور، مشخص کردن مخاطبان، جواب شبهات، توجه به نسخه‌های بدل و منابع مربوطه و مقدمه و بیان هدف و محور اصلی کلام حضرت علی (علیه السلام) است.

ویژگی دوم: در حین شرح متن شامل: بخش‌های موضوعی، بکارگیری مباحث کلامی، فلسفی و منطقی، آموزه‌های عرفانی.

### ۲.۲. تعریف لغوی ایمان:

ایمان جمع یمین، دین، پیمان، بیمه کردن، حفظ کردن، استوار، آرامش (ابن منظور، ۱۳۶۹ ه. ق، ص ۲۱)، برکتها و توانایی‌ها، سوگندها، اطمینان، اعتقاد، باور، پای بندی، گرویدن به او و قبول شریعت وی کردن، گرایش اعتقاد به وجود خداوند و جنان و حقیقت رسولان و دین و اقرار به لسان و عمل به ارکان و اظهار خشوع و فروتنی و قبول شریعت، در مقابل کفر، یقین داشتن به درستی اندیشه یا امری. ایمان در شرع عبارت است از اعتقاد به قلب و اقرار به زبان؛ هرکس شهادت بدهد و عمل نکند و معتقد هم نباشد، منافق است و کسی که شهادت بدهد و عمل نکند معتقد باشد، فاسق است. هرکس شهادت هم ندهد، کافر است (جرجانی، ۱۳۹۴ ه. ق، ص ۵۶). اهل شرع، ایمان را، تصدیق بکل ما جاء به النبی و آنچه بیان شد مؤید و منطبق بر کلام حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ص ۷۸۷)



### ۳. تعریف مفهومی و مصداقی ایمان در شرح نهج البلاغه ابن میثم:

#### ۳.۱. تعریف مفهومی ایمان:

امام علی علیه السلام تعریف مفهومی ایمان فرموده است<sup>۱</sup>: از آن حضرت پرسیدند، ایمان چیست؟ فرمود: ایمان، شناخت با قلب (معرفت قلبی)، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح است. ذکر این نکته لازم است که لفظ حضرت علیه السلام عمل به ارکان هست و در جایی آنها را نام می‌برد و غیر از چیزی است که مرسوم است و در ادامه می‌آید. همچنین حضرت امام علی علیه السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که<sup>۲</sup>: ایمان بنده ای پا نگیرد و استوار نگردد تا دل او استوار گردد و دل او صاف و استوار نشود تا زبانش استوار گردد. پس چنانکه برمی‌آید سه کلیدواژه و مولفه اصلی در ایمان هست: «از قلب به زبان و از زبان به عمل رسیدن». هرگاه کسی را با ایمان خطاب کنند بایستی نهایتاً مجری احکام عملی اسلام باشد و صرف اعتقاد قلبی به اسلام یا بر زبان آوردن لا اله الا الله کفایت نمی‌کند. همین امر در اسلام رویکردهای کلامی خاصی را ایجاد کرده است، از جمله: «دیدگاه خوارج که معتقد بودند تصدیق معرفتی و قلبی باید مورد تأکید باشد و نه عمل. مرجئه معتقدند که ایمان کار دل است و اقرار به زبان نه رکن ایمان است و نه شرط آن» (الامین، ۵۱۴۰۸، ق، ص ۶۵۴).

#### ۳.۲. تعریف مصداقی ایمان:

در بیان مصداقی در بخش علل احکام الهی می‌فرمایند<sup>۳</sup>: یعنی خداوند ایمان را برای پاکسازی دل از شرک واجب کرده است. که در شرح ابن میثم هدف نهایی از حقیقت ایمان، کمال نفس آدمی «تصدیق به توحید خداوند» است. در توصیف ایمان آمده که منظور از تصدیق قلبی به یگانگی خداوند و به تمامی آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند آورده است، می‌باشد که چراغ در ظلمات جهل و نادانی است، و اعمال صالح از قبیل عبادات و محاسن اخلاق است که از طریق شرع وارد شده است که اینها از آثار ایمان و ثمرات آن است (شرح ابن میثم بحرانی، خطبه ۲۳۱). حقیقت ایمان آن است که با چشم دل (قلب) و نه با چشم سر خدا را ببینند (شرح ابن میثم بحرانی، خطبه ۱۷۹). اساس دین معرفت خداست، و نهایت معرفت، تصدیق اوست و کمال تصدیق وی یگانه دانستن او و نهایت یگانه دانستن او خالص شدن برای اوست. معرفت خداوند متعال از امور تشکیکی است که قابل افزایش و نقصان می‌باشد. فلذا

۱. «وسئل عن الايمان فقال الايمان معرفة بالقلب و اقرار بالسان و عمل بالاركان» (حکمت ۲۲۷).

۲. «لا يستقيم ايمان عبد حتى يستقيم قلبه و لا يستقيم قلبه حتى يستقيم لسانه» (در خطبه ۱۷۶).

۳. «فرض الله الايمان تطهيرا من الشرك...» (حکمت ۲۵۲).

آنچنان که بر می آید ایمان در حقیقت فصل ممیز انسان است و حضرت علی (علیه السلام) در تعریف ایمان، «ایمان خالص و کامل» است (شرح خطبه اول). ایمان از روی ترس یا تمایل نفسانی و بدون هیچ گونه دخالتی، باید خالص برای خدا باشد و ایمان با تمام اقسامش باید فقط برای خدا باشد.

### ۳.۳. تبیین ایمان حقیقی و کامل با تکیه بر شرح حکمت ۳۱ نهج البلاغه ابن میثم:

مولفه‌های ایمان کامل چهار شعبه دارد که هرکدام چهار پایه و ستون دارند: « صبر، یقین، عدل، جهاد». ابن میثم به شرح اصول ایمان و فروعات آن اشاره و نتایج این فروعات را مطرح می‌کند.  
جدول ۱: تحلیل جزء به جزء اصول و ارکان ایمان در رسیدن به کمال در حکمت ۳۱ در شرح ابن میثم:

ردیف	ارکان	کمال	نتایج ارکان ایمان
۱	صبر	عفت	۱- نتیجه صبر علاقه به بهشت، فراموش کردن شهوات است. تا به چیزی که خداوند به متقین وعده داده است دل‌بستگی پیدا نکنید، انگیزه ای برای ترک خواسته های نفسانی ندارید. ۲- ترس از آتش جهنم، باعث پرهیز از محرّمات است. ۳- سبک شمردن ناگواری بدلیل از دست دادن علایق دنیوی ۴- انتظار مرگ شتافتن برای کارهای نیک و انجام امور برای عالم پس از مرگ است
۲	یقین	حکمت	به کار بستن هوش و اندیشه، شناخت موارد عبرت انگیز از پیشینیان بوده و استدلال از روی این ها به وجود خداوند ثمره روشن شدن جنبه های مختلف حکمت و کیفیت پند و عبرت گرفتن است.
۳	عدل	عدالت	درک عمیق و رسیدن به حقیقت علم، مستلزم آگاهی از آن و داوری به عدل و اجرای آنها میان مردم از روی قضاوت درست است و با بردباری زندگی کردن است.
۴	جهاد	شجاعت	۱- نتیجه امر به معروف ، محکم کردن پشتیبانی از مومنان ۲- نتیجه نهی از منکر، موجب خواری منافقان ۳- نتیجه راستگویی در موارد ناگوار، دفاع از حریم الهی با انجام دستورات الهی در دفع دشمنان خداست ۴- نتیجه دشمنی با بدکاران ، خشم برای خداست.

با توجه به آنکه بحث مورد نظر ایمان کامل است که دارای یک اصل و چند کمال است که به وسیله آن کمالات، ایمان به تمام کمال خود می رسد. فلذا ایمان یعنی تصدیق و باور داشتن به وجود آفریدگار به

همه ی صفات کمالیه و اوصاف جلالیه و به آنچه از کتب الهی که نازل و ابلاغ شده است. و کمالاتی که ایمان را کامل می‌کند را بر می‌شمرد: سخنان مطابق با واقع، اخلاق حسنه و پسندیده و عبادات. اصل ایمان و پایه های تکمیل کننده آن، همان کمال نفس آدمی است که دارای دو قوه علمی و عملی است. خود اصل ایمان کمال قوه عملی است و متمم های آن، یعنی اخلاق پسندیده و عبادات، کمال قوه علمی است. لفظ «دعائم» در حکمت ۳۱ با عنوان استعاره آمده است که وجود ایمان کامل مانند پایه های خانه بدانها وابسته است و در جای دیگر این میثم مقصود از دعائم را دو چیز می‌داند: «دعوت کنندگان به حق و عمله ایمان، دیگری، قواعد دین مانند جهاد و...» است (شرح ابن میثم بحرانی، خطبه ۱۷). اصول و پایه های فضایل اخلاقی که باعث کمال ایمان اند، چهار تا هستند: «حکمت، عفت، شجاعت، عدالت». حکمت دو بخش دارد: «حکمت علمی و حکمت عملی». حکمت علمی، که همان کامل ساختن قوای نظری و فکری به وسیله تصور امور، و تصدیق به حقایق نظری و عملی است به قدری که در توان آدمی می‌باشد، و این بخش از حکمت را در صورتی حکمت می‌گویند که این کمال با یقین برهانی برای نفس حاصل شده باشد. حکمت عملی، عبارت از رسیدن نفس به کمال مطلوب است به وسیله ملکه علم و آگاهی به فضایل اخلاقی و کیفیت به دست آوردن آنها و همچنین آگاهی به جهات مختلف ناپسندی های اخلاقی و چگونگی دوری جستن از آنها، و بدیهی است علمی که به صورت ملکه درآید، همان یقین خواهد بود.

### ۳.۳.۱. کفر نقطه مقابل ایمان خالص و کامل (ایمان در تقابل با کفر و جهل):

اگر در الفاظ و بیانات حضرت امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه مانند خطبه ۱۴۷ دقت شود ایشان معتقد بودند که هر چیزی را با ضدش بشناسید و اشاره به قاعده «تعرف الاشياء باضدادها» دارد. به هر حال آنچه که مشخص هست و ایشان تاکید کرده اند این است که ایمان برای پاکی از شرک است و مشرک «کافر» است و این مصداق واقعی ایمان به باطل است. کفر هم اصولی دارد و دارای کمالات و متمم و پایه ها و ارکانی است که در برابر اصول چهارگانه فضایل اخلاقی مطرح می‌شود. که در جدول زیر پایه ها و اصول و ارکان کفر و آثارشان در جهت تفهیم ایمان کامل آمده است.

جدول شماره ۲: تحلیل جزء به جزء ارکان و اصول کفر در شرح حکمت ۳۱ نهج البلاغه ابن میثم

ردیف	ارکان کفر	آثار کفر
۱	وسوسه گری و کنجکاوی نابجا	این امر تحت عنوان ستمکاری در برابر عدل در بحث ایمان است. ظلم باعث می‌شود که به حقیقت نرسید و نتیجه اش افراطی گری است و با جهالت در تصور جستجوی حق گشتن است، فلذا ظلم را بخاطر برنگشتن به جانب حق و ملکه شدن این رذیلت نهی کرده است.
۲	ستیزه جویی و جدل	انحراف از فضیلت دانش (یقین) که انسان، نام آن را جربزه می‌گذارد و در حالیکه جهل مرکب است. پیامد آن وقتی افزایش پیدا می‌کند بصورت ملکه در می‌آید، نایبایی و ناآگاهی مداوم نسبت به حق است. همه را از آن برحذر داشته اند.
۳	انحراف از حق	انحراف از فضیلت عفت (صبر) است. چون خوب را بد، و بد را خوب می‌شمرد و غرق در گمراهی است. که از سر غفلت و نادانی است که شخص گرفتار، هیچ چیزی را سر جای خود بکار نمی‌برند و باعث کم شدن حکمت و اشاره به کودنی و بی خبری دارد. نیکی را زشت و زشت را نیکو می‌بینید.
۴	لجاجت و دشمنی و ناسازگاری با حق	انحراف از فضیلت شجاعت (جهاد) است که نام آن بی باکی و لوازم آن است. در این صفت شخص با وجود دشواری راه‌ها و سختی‌ها از عهده کارها برآمده است و اساس کارها و گشایش آنها در خوشرویی با مردم و چشم پوشی از خطاهای آنان و بردباری و تحمل ناگواری هاست.

۲.۳.۳. آیا ایمان از سنخ شک است یا یقین؟

اما صفت شک و دودلی در باور داشتن یکی از دو طرف است که تقیض و مقابل یکدیگرند و این صفت در برابر یقین قرار دارد. حضرت (علیه السلام) با ذکر این مباحث که ابن میثم آنها را شرح داده است بیان می‌کند که شک و تردید در چه حوزه‌هایی برای ایمان یقینی خطرناک است و باید درمان شوند. حضرت امام علی (علیه السلام) برای این صفت چهار بخش و فرع را نام می‌برد: «جدال بی ثمر در گفتار، ترس (از پیشامدها)، دو دل بودن (در تصمیم گیری)، خودباختگی و بی ارادگی» (خطبه ۱۵۹).

جدول شماره ۲: تحلیل جزء به جزء شاخه‌ها و شعبات و فروعات شک در شرح حکمت ۳۱ نهج البلاغه ابن میثم

ردیف	شاخه های شک	آثار و پیامدهای شک
۱	جدال بی ثمر در گفتار (سخنان ناروا)	اگر این ملکه در انسان رشد کند شبش به صبح نمی رسد و منظور روشن نشدن حق از تاریکی شک و جهالت است.
۲	ترس (از پیشامدها)	ترس از اقدام در امور که نتیجه اش عقب گرد و سرافکندگی است و باعث نا آگاهی از مصلحت و فساد آنها می گردد.
۳	دو دل بودن (در تصمیم گیری)	تحول از حالتی به حالت دیگر، و از شک به شک دیگر، بدون اطمینان به چیزی. حضرت (علیه السلام) از آن به کنایه زیر سم های شیاطین یاد کرده است. چون تخم وهم و خیال را پاشیده و قدرت عقل را در تصمیم گیری از خود گرفته است.
۴	خودباختگی و بی ارادگی (بی تفاوتی در برابر نابودی دنیا و آخرت)	در این حالت شخص هیچ کاری را انجام نمی دهد و به فکر وسایل کار نیست و در برابر پیشامدها تسلیم و بی تفاوت است که نتیجه اش هلاکت و نابودی است.

به این نکته دقت کنید که حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه ایمان را دارای « دعائم » به معنای اصول و ارکان و پایه بکار برده است و در مقابل آن کفر را مطرح کرده که ایمان را به بن بست می کشاند و از راه حق دور می کند و سبب گمراهی است چون در اصول ایمانی ورود پیدا می کند و حتی خود کفر هم اصولی دارد، ولی خود شک را دارای « شعب » خوانده است یعنی فروعاتی دارد. پس ایمان اصل است و شک فرعیاتی است که در آن وارد می شود و بایستی در برابر شبهه برخیزید چون سبب نابودی ایمان و تفرقه و راه برون رفت را ندیدن است. برای همین شخص با کفر ورزیدن از ایمان خارج می شود ولی شک را باید در برابرش ایستاد و رفعش کرد و با توجه به آنکه از فروعات است اگر حل شود ایمان بر قوت خود باقیست.

#### ۴.۳. انواع ایمان از نظر ابن میثم:

ابن میثم تقسیم بندی ای که برای انواع ایمان ذکر کرده و گفته: یا ایمان عاریه‌ای و غیربرهانی (منافقانه، جدلی و تقلیدی) است، یا ایمان ثابت و برهانی (عقلی، اکتسابی و خالصانه) است. ایمان عاریه ای مانند وسایلی است که انسان به عنوان عاریه از دیگری می گیرد که باید موقعی آن را به صاحبش برگرداند، و به اعتبار آن که درست در دلها جایگزین شده است آن را جا گرفته در میانه ی دلها و سینه دانسته است. چنانکه شیئی عاریه ای در دست عاریه گیرنده دوام ندارد، این ایمان در معرض تغییر و زوال قرار دارد. دیگری ایمان ثابت دقیقاً برعکس تعریف ایمان عاریه ای است و دارای ثبات و دوام





است. ایمان تقلیدی در برابر ایمان اکتسابی (عقلی)، ایمانی است که از راه تقلید و حسن ظن به گذشتگان و یا از اعتماد به امامی که مورد اعتقاد می‌باشد پیدا شده است.

اما در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ایمان را به سه بخش تقسیم کرده است (شرح خطبه ۲۳۱): قسمتی از ایمان آن است که ثابت و مستقر در دلها جای دارد و دیگری آن است که به عاریت در دلها قرار دارد. ایمانی است عاریتی که تا مدت معینی در میانه دلها و سینه در نوسان و اضطراب است که آن بخشی از ایمان است که با دلیل و برهان در دلها جایگزین شده و این ایمان حقیقی می‌باشد. بخش دیگر ایمانی است که برهانی نیست بلکه با استدلالهای جدلی ثابت شده مانند ایمان بسیاری از کسانی که تحقیقات عقلی نکرده اند و عقیده هایشان بر قیاسهای جدلی که به مرحله برهان نرسیده تکیه دارد و حضرت آن را عاریه در دلها نامیده است که اگر چه در دل جای دارد که محل ایمان حقیقی است اما از این باب که در معرض تزلزل و خروج است مانند چیزی است که به طور عاریه در خانه ای قرار دارد. و بخش سوم ایمانی است که نه مستند به برهان است و نه به قیاسهای جدلی بلکه از راه تقلید و حسن ظن به گذشتگان و یا از اعتماد به امامی که مورد اعتقاد می‌باشد پیدا شده است و این قسم را حضرت عاریه میان دلها و سینه ها نامیده زیرا پایین تر از بخش دوم و ضعیفتر از آن و نزدیکتر به زوال می‌باشد.

شارح نامبرده این سخن امام را که ایمان مستعار فقط تا هنگام مرگ باقی است به دو قسم اخیر ارتباط داده است زیرا کسی که ایمانش با قیاس جدلی اثبات شود گاهی به درجه یقین و برهان می‌رسد، و آن در موقعی است که با نظر دقیق بنگرد و مقدمات یقین آور بیاورد، ولی اگر مقدمات آن ایمان در نظرش ضعیف آید عقیده اش تا مرحله تقلید پایین می‌آید.

به این طریق ایمان ابن ابی الحدید به دو قسم اخیر محدود می‌شود به دلیل این که هر دو در معرض زوال می‌باشند، اما اصل مطلب آن است که اگر این روایت درست باشد، باز به همان معنا و تقسیم برمی‌گردد که ابن میثم بیان کرد چون ایمان چه برهانی و چه غیر برهانی اگر به حد ملکه برسد و راسخ باشد، ایمان ثابت و مستقر است وگرنه عاریتی است و معتقد است که قسم دوم در متن شارح معتزلی تکراری است و سهوا از قلم نویسنده صادر شده است (شرح خطبه ۲۳۱).

### ۵. ۳. ایمان و متعلقات آن در شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی:

#### ۵. ۳. ۱. ایمان از متعلقات دین و اطاعت:

دین یعنی اطاعت و معرفت. دین در عرف، بر شرایعی که از جانب خدا بوسیله پیامبر ﷺ صادر می‌شود



اطلاق می‌شود. معرفت خداوند سبحان دارای مراتبی است. اولین و (آخرین) مرتبه این است که بنده بداند که جهان آفریدگاری دارد، دومین مرتبه شناخت، تصدیق وجود صانع، سومین مرتبه اینکه جذب عنایات الهی شده و به توحید گرایش دارد و او را از شریک مبرا بداند، چهارمین مرتبه اخلاص، برای خداست، پنجمین مرتبه این است که صفاتی را که ذهن برای خداوند اعتبار می‌کند از او نفی کند، این نهایت شناخت و عرفان و منتهای تکامل معنوی انسان است هر یک مبدا و پایه برای مرتبه بعدی است و هر یک کمال برای مرتبه قبلی است. دو مرتبه اول در فطرت انسان نهفته است، بلکه در فطرت حیوان که عمومی تر از فطرت انسان است پنهان می‌باشد. برای همین است که انبیاء مردم را برای کسب این مقدار از معرفت دعوت نکرده‌اند، زیرا اگر تحصیل این مقدار معرفت متوقف بر دعوت انبیاء و تصدیق آنها باشد با توجه به این که تصدیق انبیاء خود مبنی بر شناخت فطری است مبنی بر این که برای جهان خالقی است که آنها را به پیامبری فرستاده است دور لازم می‌آید، اولین مرتبه معرفت که انبیاء مردم را به آن دعوت می‌کنند یگانه دانستن صانع و نفی کثرت از اوست که در بردارنده اولین کلمه ای است که می‌گوییم لا اله الا الله. پذیرفتن اوامر الهی وسیله کمال دین شخص شده و به انسان آمادگی می‌دهد که اولاً وجود خدا را از روی یقین تصدیق کند، سپس یگانگی او را بپذیرد، و برای او اخلاص بورزد، و در نهایت هر چیزی غیر خدا را نفی کند آن گاه هر مرتبه ای را که ادراک کند نسبت به مرتبه قبل به کمال رسیده تا سرانجام به کمال و معرفتی که مطلوب اوست بر حسب استعدادش دست یافته و با کمال معرفت دینش کامل شود و سیر الی الله را به پایان برساند (شرح خطبه اول).

پرسشی که اینجا مطرح می‌شود اینست که: «آیا ایمان از سنخ وفاداری است یا اطاعت؟». چون ایمان از مجموعه‌ها و مولفه‌ها و اجزای دین است و شریعت چیزی جز اطاعت و فرمانبرداری نیست، و تصدیق خداوند و کمال اخلاص برای او نهایت ایمان و دینداری است، پس با توجه به مراتب معرفتی این میثم که ذکر شد مشخص می‌گردد که غایت و هدف انبیاء مراتب اولیه شناختی نیست که بین انسان و حیوان مشترک است بلکه اخلاص در توحید و نفی هر صفت زائد بر ذات است و این تعریف از دین بالاترین مرتبه درک و شناخت است.

۳. ۵. ۱. ایمان نوعی علم دین همراه با اعتقاد و التزام عملی (رابطه ایمان با علم و عمل):

ایمان آیا از مقوله علم است؟ کدام علم؟ حضرت امام (علیه السلام) به کمیل بن زیاد نخعی فرموده: علم بهتر از ثروت است که تمام می‌شود. منظور آشنایی با خود علم، همان دیانت است که تا دنیا هست عالم دینی زنده است (شرح حکمت ۱۴۷). اصل ایمان و پایه‌های تکمیل کننده آن، همان کمال نفس آدمی است



که دارای قوای علمی و عملی است. اصل ایمان کمال قوه عملی است و متمم های آن، یعنی اخلاق پسندیده و عبادات، کمال قوه علمی است. اگر مطالب را مرور کنید می بینید که لفظ «عمل به ارکان» آمده است، که همان «صبر و یقین و عدل و جهاد» منظور هست. ابن میثم معتقد است که عمل جزو آثار ایمان است و در معنای آن وارد نمی شود. خود اصل ایمان کمال قوه عملی است و متمم های آن، یعنی اخلاق پسندیده و عبادات، کمال قوه علمی است. ولی ابن ابی الحدید معتقد است که عمل در مفهوم ایمان وارد می شود (ابی الحدید، ۱۳۶۳ ه.ق، ص ۶۹۰). علم و حکمت نتیجه عقل و خرد است. پس عمل جزء شرایط ایمان و تقوا است. علم فقط با اقرار لسانی میسر نمی شود کما اینکه اکثر مردم در ظاهر مسلمان اند و در باطن مشرک و جزء ملت کفر هستند. علم اصل ایمان و عمل از لوازم آن است. ایمان علم عملی است. در قدیم ایمان، اعتقاد صرف انجام آیین های خاص برای ایزدان بود که با معرفت ارتباط نداشته است. ولی ابن میثم ایمان را معرفتی قلبی می داند.

حضرت علی در بحث اسباب تقرب به خداوند و اخلاص در بندگی که فطری است و ریشه اش دینداری است می فرماید<sup>۱</sup>: یقینا عالمی که به علمش عمل نمی کند مانند جاهلی است که در جهل خود مانده و بهوش نیامده است، حجت برای عالم بی عمل بزرگتر و اندوهش ماندگارتر است و در پیشگاه خداوند ملامتگرایش بیشتر است. کسی که عالم بی عمل باشد سر از بیراهه در می آورد و هرچقدر که تلاش کند از مقصدش دورتر می شود و کسی که به علمش عمل کند راه روشن را پیدا می کند و چک کند ببیند که راه مستقیم با عمل است و بدون عمل عقب گرد است (شرح خطبه ۱۵۵).

تاکید حضرت امام علی علیه السلام بر عمل صالح است و صرف آنکه مقدمات آن انجام گیرد ملاک نیست بلکه باید عمل صالح تا انتها صالح باشد و ناتمام نباشد و به آخر برسد و سپس استقامت و بعد صبوری که آنگاه ورع و تقوا و ایمان خالص محقق می شود. و عمل صالح به سوی خدا بالا می رود (شرح خطبه ۲۳۰). در حقیقت عصاره برنامه سیروسلوک الی الله و تکامل انسان است.

با دلالت علت بر معلول می توان استدلال کرد کسی که ایمان در قلب او جا گرفته بر این اعمال مواظبت دارد، همچنین می توان حکم کرد کسی که دارای عبادات و مکارم اخلاق است صاحب ایمان است. اگر ایمان با برهان و استدلال همراه شود علم خواهد بود، و این روح همه علوم است، و هرگاه با

۱. «فَإِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ يَغْتَبِرُ عَلَيْهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيئُ مِنْ جَهْلِهِ، بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ أَكْبَرُ، وَالْحُسْرَةُ لَهُ أَلْزَمُ، وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ» (شرح خطبه ۱۰۹).

۲. «الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ، وَ الْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ، وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ» (خطبه ۱۷۶)

ثمرات علم که اعمال صالحه است همراه شود به آن ایمان گفته می‌شود، چون اعمال صالح از کمالات ایمان است و بدون آن ناقص است و سودی در آن نیست، اگر علم با عمل مقرون نباشد فایده آن در آخرت اندک بلکه بی فایده است، و همانطور که ویرانه قابلیت سکنا ندارد علم خالی از عمل نیز فاقد سود و ارزش می باشد.

تقسیم بندی ای هم ابن میثم راجع به علم دارد که: علم طبیعی و فطری است، یا علم مسموع، که علم مسموع تا مطبوع نباشد بی فایده است. مقصود امام (علیه السلام) از علم مطبوع، عقل بالملکه است، یعنی استعداد به وسیله علوم بدیهی و ضروری برای رسیدن به علوم اکتسابی، و مقصود از علم مسموع، همان شنیده‌هایی از علما است، زیرا کسی که چنین استعدادی را ندارد، سودی از شنیده‌های خود از علوم نمی‌برد و از دستاورد خود بهره مند نمی‌شوند. بعضی گفته اند مقصود از علم مطبوع آن اصولی است - مانند توحید و عدالت خدا- که انسان به طبیعت عقل و فطرت می داند، و علم مسموع، علوم شرعی است که نسبت به اصول عقلی و فطری، به منزله فرع است، زیرا فرع بدون اصل سودی ندارد (شرح حکمت ۳۳۱). ایمان به عنوان حکمت عملی مجموعه ای از معارف و دستورات الهی علمی است مسموع، که باید مطبوع و مبتنی بر عقل و فطرت باشد.

### ۳.۵.۲. ایمان تصدیق گزاره های اسلام و قبول قلبی آنها (محل ایمان):

محل ایمان « قلب انسان » است. منظور از قلب هم « قلب و نفس و ذهن انسان » است. و قلب کتاب چشم است (شرح حکمت ۴۰۹). نور ایمان و یقین بر قلب می تابد (شرح حکمت ۳۶۵). حرفها بر دل می نشینند نه بر گوشهای مادی و محسوس، و دل است که آمادگی و توجه ش به اندیشیدن در گفته های مسموع، سبب حصول درک، علم و فهم می باشد (شرح خطبه ۲۳۴). ابن میثم لفظی دارد تحت عنوان « جهاد قلبی » و ذکر می کند که این نوع جهاد دشمنان در آن نمی توانند نفوذ کنند، پس ایمان باید به قلب برسد. وی بیان می دارد که جایگاه اسلام بی شک « دل » است نه زبان و شعارهای ظاهری، یعنی وقتی شخص اسلام می آورد باید دلش تسلیم شود که ایمان بیاورد تا بتواند به احکام عمل بکند، دل با نور علم و یقین نورانی شده است و از شر جهل و شک و تردید خلاصی می یابد و تقوا و عمل به شرایط تقوا درمان این درد است (شرح خطبه ۲۳۳). اینجا لازم است اشاره شود به آیه ۱۴ سوره حجرات که خداوند می فرماید: «... قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا...» یعنی اسلام آوردن غیر از ایمان آوردن به اسلام است، ایمان آوردن باید در قلب ورود پیدا بکند و اطاعت الله و رسول الله شرط تحقق آن است. همچنین بیان می کند که قرآن معدن و مرکز ایمان است،



همان معدنی که ایمان کامل به خدا و پیامبرش ﷺ و به همه آنچه آن حضرت از جانب خداوند آورده از آن به دست می آید، و اعتقاد به حقانیت قرآن و فهم مقاصد آن، و عمل به احکام و دستورات آن سبب انعقاد ایمان در دل می گردد (شرح خطبه ۱۸۹)، یعنی نقطه ثقل و مرکز اصلی همه اینها از اسلام آوردن، عمل به احکام قرآن و شریعت و... که از جنس نور هستند «نفس و ذهن و قلب و دل انسان» است.

۳. ۵. ۱. تصدیق گزاره های از اسلام شیعی و قبول آنها

آنچنان که مسلم است در شرع مقدس اسلام هیچکس به مقام تقوا نمی رسد جز آنکه در ابتدای پذیرش آن مولفه های استاندارد ایمان به دین را اقرار کند (شرح خطبه ۹۰) و همین هاست که باب ورود به خلعت اسلام اند و تحت عنوان متعلقات ایمان مطرح می شوند که شامل:

۱- ایمان به توحید و یگانگی خدا

۲- ایمان به ملائکه

۳- ایمان به عالم غیب

۴- ایمان به رسالت حضرت رسول اکرم ﷺ و انبیاء پیشین

۵- ایمان به قرآن و کتاب الله انبیاء پیشین

۶- ایمان به امامت

۷- ایمان به معاد

اینک به توضیحی در این باب از شرح متن نهج البلاغه ابن میثم می پردازیم. ایمان تصدیق یقینی بر حقانیت وجودی امری وسیله جامع و کاملی میان جوینده معرفت آن امر و کمال بخشیدن به آن می شود. و بطور قطع و یقین پویندگان معرفت را عاشق و شیدای مطلوب می کند، و رغبت و میل آنها را به آنچه در نزد محبوب است، ثبات می بخشد. در خطبه یک حقیقت ایمان حتی در حضرت رسول اکرم ﷺ چنان است که هنگام دعا به درگاه خداوند از خداوند تقاضا می کند و او را به حق اسماء اش و خاصه در قرآن کریم و به کسانی از آفریدگانت تعلیم داده ای و در علم غیبت برگزیده ای سوگند می دهد. این کلام پیامبر ﷺ تصریح دارد بر این که خداوند بعضی از اسماء خود را بیان داشته است. پس در امر ایمان به خدا ذکر اسماء و صفات خداوند بسیار حائز اهمیت است.

در شرح خطبه ۹۰ حقایق ایمان به خداوند، تصدیق فرشتگان به وجود حق تعالی است، به سبب آن که فرشتگان شاهد وجود خویش می باشند بدیهی است معرفتی که بر وجود حق سبحانه و تعالی از مشاهده وجود الهی حاصل شود معرفتی تام و کامل و دائمی است، و همواره چنین کمالات بالقوه ای به



فعل در می‌آید، زیرا تصدیق داشتن به وجود چیزی که به دست آوردن آن را واجب بدانی، قویترین علت انگیزاننده بر طلب آن است.

در شرح خطبه ۲۳۴ حضرت (علیه السلام) نقل می‌کند که گروهی از قریش حضور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) رسیدند و گفتند تو ادعا بزرگی کردی که هیچ یک از پدران و بستگان چنین ادعایی نکرده‌اند، اکنون ما دو مطلب از تو سوال می‌کنیم اگر پاسخ داری و درستی آن را به ما نمایانندی درمی‌یابیم که تو پیغمبر و فرستاده خدایی وگرنه خواهیم دانست که ساحر و بسیار دروغگو می‌باشی، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود مطلبتان چیست؟ گفتند از خدا بخواه که این درخت از ریشه کنده شود و بیاید جلوی روی تو قرار گیرد، حضرت فرمود، خدا به هر چیزی تواناست، پس آیا اگر این کار را خدا انجام دهد شما ایمان می‌آورید و شهادت به حق خواهید داد؟ پاسخ دادند: آری، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای درخت، اگر ایمان به خدا و روز قیامت داری و میدانی که من پیامبر خدایم به اذن خدا، از ریشه درآی و جلو روی من توقف کن. سوگند به خدایی که وی را به حق مبعوث فرموده است که آن درخت با ریشه‌های خود از زمین کنده شد و شروع به آمدن کرد و اقرار کرد. بنابراین مشخص می‌شود که تصدیق به ایمان به خدا و نبوت و معاد جزء اصول دین است که در این جا محرز شده است.

علم به امور دینی و آنچه از مژده و بیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورده است، راه بهانه را به کسانی که می‌گویند: ما از آن ناآگاه بودیم، می‌بندد (شرح حکمت ۲۷۶). ابن میثم در شرح نهج البلاغه سه مقصد را برای بعثت از نگاه حضرت علی (علیه السلام) بیان می‌کند: یکی از بین رفتن شبهات که برطرف کننده گرفتاری‌های دنیا از دل مردم است و مهمترین مقصد شارع است. دوم، زدودن شبهات بوسیله دین، خود دلیل اثبات ادعاست و حقایق را در دل مردم جای می‌دهد. سوم، برحذر داشتن گناهکاران از عقوبت گناهان به وسیله آیات نازل است برا یکسانی که صفای دل ندارند و صوف گفتار در آنها بی‌تاثیر است (شرح خطبه ۲).

چون حضرت امام علی (علیه السلام) بر اسرار کتاب آگاه بوده و جامع علم و حکمت الهی و آگاه بر اصول و فروع دین می‌باشد پس ناطق به کتاب خدا و دعوت کننده به راه حق است، و همان کسی است که بر ابتدای راه خدا ایستاده است و چون راه خدا و صراط مستقیم در نهایت وضوح و روشنی بوده است و حدود الهی و مقدمات آن را می‌دانسته مانع لغزیدن اشخاص در راههای انحرافی و برطرف کننده شکها و شبهاتی است که برای انسانها پیش می‌آید. و به لحاظ همین نیروی مدبری که برای اداره جهانیان داشت، او تنها کسی است که بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر درهای بازی که جایگاه هلاکت است و بر درهای جهنم و راههای گمراهی ایستاده است و روندگان این راهها را به حدود خدا باز می‌آورد و نواهی خدا و



عظمت عذاب او را یادآوری می‌کند و پیشوای فکری راهروان راه حق می‌شود و آن وقتی است که امام علیه السلام متوجه می‌شود ذهن گمراهان در تاریکی جهل فرو رفته و جز آن حضرت، راهنمایی نمی‌بینند و با کوشش و جستجو آب زندگی را از سرزمین دلها می‌طلبند ولی آن را جز نزد آن حضرت نمی‌یابند (خطبه ۴). عده ای که حجت الهی هستند و اسرار وحی و نبوت را حفظ می‌کنند. علم الهی و معرفت بر قلب و روح یقین دارند و حق گرایان اند و اینها امامان و خلیفه الهی در زمین و دعوت کننده مردم به دین هستند. زمین از کسی که دین خدا را با حجت و دلیل نگه دارد خالی نیست، یا آن شخص آشکار است و یا پنهان و بیمناک در بین مردم. امام با حجت و برهان الهی بر امور مردم رسیدگی می‌کند و بر طبق حکمت الهی وجود او ضرورت دارد. امام یا آشکار و شناخته شده است مانند آنانی که با نیکوکاری درگذشتند و به ملا اعلی پیوستند - از یازده فرزندان امام علیه السلام - و یا بیمناک و پنهان از انظار است، چون دشمنان زیادی دارد، و دوستان مخلصش اندک اند، همچون حجت منتظر (عج) تا این که پس از پیامبران، مردم بر خدا حجتی و عذری نداشته باشند (شرح حکمت ۱۴۷). پس کلیه این مطالب دال بر ایمان به امامت است.

### ۶.۳. رابطه اراده و ایمان:

بحثی که اینجا مطرح می‌شود این است که نقش اراده در ایمان چگونه است؟ آیا فیض و عطا و توفیق خداوند است؟ سوال اینجاست که آیا ایمان به جبر و زور محقق می‌گردد؟ یقیناً تحکم و تمکین مطلق و اجبار شخص را مومن نمی‌کند. اجبار به درد نمی‌خورد و پایدار نیست چون تا وقتی که آن اسباب هست ایمان هست و هر وقت رفت، ایمان هم می‌رود به انتقای علت (مطهری، ۱۳۹۴ ه. ش، ص ۹۸).

اطاعت خدا وسیله آمادگی نفس برای قبول معارف الهی و مشاهده حضرت حق و تاریکی دل موجب دوری از خدا و حجاب مشاهده خداوند است. اطاعت خدا در قلب شخص نور ایجاد می‌کند. اگر بنده‌ای نفس خود را ریاضت دهد تا به کمال مراتب قوای نظری و قوای عملی برسد، برای کمال خاصی که از جانب خدا به او افاضه می‌شود آمادگی پیدا می‌کند (شرح خطبه ۲۳۱). با توجه به این مطالب در شرح نهج البلاغه ابن میثم می‌گوید مومن با اطاعت خداوند کسب فیض می‌کند و این شیبه ترین چیزها به اقتباس نور از نور می‌باشد. نور خداوند مربوط به عالم مجردات است و غیرمادی است که جبر و اختیار در آن عالم معنا ندارد. بنابراین انسان با کسب ایمان حقیقی و خالص از سوی خداوند مومن می‌شود. پس ایمان وقتی محقق می‌شود که حرکتی در جهت کمال برای نفس حاصل آید. اول باید اراده کرد و سپس افاضه خداوند به آن تعلق می‌گیرد.

### ۷.۳. استدلال نظری بر ایمان:

با توجه به آنچه از مطالب در خصوص ایمان در شرح نهج البلاغه ابن میثم آمد مشخص می‌شود که ایمان اعتقادی صادق است و دارای توجیه عقلانی است و برهان و استدلال می‌توان بر آن اقامه کرد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

الف- معارف دینی، از جمله قضایای بدیهی نیستند یعنی اکتسابی و نظری‌اند.

اگر ایمان امری بدیهی باشد لازم می‌آید که هر انسانی آن را به خوبی تصور و تصدیق کند، در حالی که ما می‌بینیم جهت حصول این امر مبتنی بر عمل به دستورات و تعالیم و معارف شریعت الهی است که از سوی خداوند متعال جهت نیل به کمال انسانی تحت عنوان تکلیف از آن یاد می‌شود و دارای اصول و فروعی است و معارف اصول دین را باید به شیوه عقلانی شان کسب کرد (شرح حکمت ۲۷۶).

ب- هر اعتقاد یقینی حاصل برهان است.

همانگونه که ذکر شد ایمان اصلی داشت به نام یقین، و بحث شد که ایمان برهانی، ایمانی ثابت و پایدار است. فلذا باورهای یقینی زائل نشدنی‌اند. معارف یقینی سبب سعادت اخروی‌اند (شرح حکمت ۱۵۰). بنابراین شک و تردید هرگز در ایمان حقیقی جایگاهی ندارد، و اعتقادات یقینی حاصل برهان‌اند که این میثم به این مطلب اشاره کرده است (شرح خطبه ۲۳۱ و حکمت ۳۱).

ابن میثم مراقبت از نفس توسط عبادالله که همان عرفا هستند که با بکار گرفتن قلب و روح خود در عبادت در پی جلب رضا و خشنودی خداوند هستند (شرح خطبه ۱۷۶) را روشی در کسب ایمان می‌داند که تلویحا به معارف شهودی اشاره دارد که منجر به یقین در ایمان می‌شود.

### ۸.۳. علامات و نشانه های ایمان:

حضرت امام علی علیه السلام از نشانه های ایمان به سه مورد اشاره کرده است: ۱- راست زیانبخش را بر دروغ سودمند- به خاطر علاقه به فضیلت و نپسندیدن دون مایگی- ترجیح دهد. ۲- در سخنش چیزی علاوه بر دانسته هایش نگوید که این عدالت در گفتار و دوری گزیدن از دروغ است. ۳- در سخن گفتن راجع به دیگران خدا را در نظر بگیرد، و با غیبت کردن یا گوش دادن به غیبت دیگران آبروی کسی را به خطر نیندازد، و بعضی گفته اند مقصود امام علیه السلام آن است که در نقل حدیث دیگران، چنانکه هست رعایت امانت کند، و کم و زیاد نکند (شرح حکمت ۴۵۸).

### ۹.۳. عوامل استواری ایمان در دل در شرح نهج البلاغه:

در شرح خطبه ۱۰۹ عوامل استواری ایمان در دل را ابن میثم اینگونه بیان می‌کند:





- ۱- پیوسته به یاد خدا بودن و به ذکر او شتافتن، که پایه ایمان به خدا و یاد خدا نیکوترین ذکر است.
- ۲- شوق و رغبت به کسب ثوابها و تحصیل پادشاهی که خداوند در آخرت به پرهیزگاران وعده داده، و از لوازم طاعت و عمل برای اوست که خداوند خلف وعده نمی‌کند.
- ۳- پیروی از روش پیامبر ﷺ، آن بهترین و شریفترین سنتهاست، و پیروی از آن به هدایت مقرونتر و به خداوند نزدیکتر است.
- ۴- آموختن قرآن از جمله چیزهایی است که ایمان به خدا و پیامبرش ﷺ را تحکیم و تقویت می‌کند که چشمان را روشنی، و دلها را شادی می‌بخشد. قرآن شفابخش دلها از تاریکی و بیماری جهل است، و قرآن را نیکو قرائت کردن، یکی از اسباب فهم معانی قرآن، که باعث تدبر در آیات است، و فواید آن ظاهر، و از قصه‌های آن عبرت و منفعت حاصل می‌شود.

### ۳. ۱۰. ایمان صادق چیست؟

عده ای می‌پرسند ایمان که از سنخ باور است آیا صادق است و یا کاذب؟ و تعریف ایمان صادق چیست؟ در اینجا مطالب را بشرح مذکور ارجاع داده و پاسخ اینست که: ایمان بنده ای صادق و درست نیست تا به آنچه در نزد پروردگار است، مطمئن تر باشد از آنچه در دست خود دارد و از نشانه‌های کمال یقین خوشبینی به خداست. این حالت مرتبه عالی از مراتب توکل است (حکمت ۳۱۰). پس نهایت ایمان صادق که کمال یقین است، توکل بر خداست.

### ۴. نتیجه گیری:

پس از شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی اینگونه استنباط می‌شود که هرگاه معرفت قلبی، اقرار به زبان و عمل به ارکان صبر، یقین، عدل، جهاد که شاخه‌هایی دارند نمود داشته باشد ایمان کامل شده است. هرچند برخی ایمان را عمل به اعضاء و جوارح ترجمه کرده اند ولیکن صحیح نیست. و کفر در تقابل با ایمان است که آن هم ارکانی دارد و در شخص نباید باشد چون پایه‌های ایمان را سست می‌کند. در ایمان نباید چهار شاخه شک و دودلی یعنی: «جدال بی ثمر در گفتار، ترس از پیشامدها، دو دل بودن در تصمیم‌گیری، خودباختگی و بی‌ارادگی در برابر نابودی دنیا و آخرت» هم نفوذ پیدا کند. خداوند ایمان را برای پاکسازی دل از شرک واجب کرده است. پس چنین است که هرگاه بنده ای نفس خود را ریاضت دهد تا به کمال مراتب قوای نظری و قوای عملی برسد، آنگاه برای کمال خاص از جانب خداوند به مقام تقوا می‌رسد، که باعث اصلاح قوای عملی انسان است و به موجب صفت یقین به اصلاح قوای نظری می‌پردازد. ایمان از سنخ علم است و عالم باید به علمش عمل کند و لازمه اش آنست که عمل صالح را به انتها برساند. ایمان باید با استدلال و برهان همراه شود که ظهور در اعضاء و جوارح است که در آخرت



سودمند است و حکمت عملی نامیده می‌شود و برگرفته از معارف و شریعت الهی است. ایمان علمی مسموع است، که باید مطبوع و مبتنی بر عقل و فطرت نیز باشد. و ایمانی صادق است که به آنچه در نزد پروردگار است، مطمئن تر باشد از آنچه در دست خود دارد و کمال آن در «توکل» و «تصدیق به توحید خداوند» است که از آن با عنوان ایمان خالص یاد شده است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. *نهج البلاغه*، ابوالفضل بهرام پور، ۱۳۹۶ش، چاپ اول، قم: آوای قرآن.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله ۱۳۶۳ق، *شرح نهج البلاغه*، چاپ اول، محمد بن حسین شریف الرضی، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۶۹ق، *لسان العرب*، چاپ اول، جلد ۱ و ۳، بیروت: لبنان، دارالفکر.
۴. امین، حسن، ۱۴۰۸ق، *دائرة المعارف الاسلامیه الشیعیه*، بیروت، لبنان: دارالتعارف للمطبوعات.
۵. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، ۱۳۷۵ق، *شرح نهج البلاغه*، جلد سوم، چاپ اول، مترجم: محمدصادق عارف و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۶. جرجانی، علی بن محمد، ۱۳۹۴ق، *تعريفات*، چاپ دوم، مترجمان سیما نوربخش، حسن سیدعرب، مشهد: فروزان فر.
۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲ق، *دایره المعارف تشیع*، چاپ اول، تهران: حکمت.
۸. جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۷ش، *شریعت در آئینه معرفت*، چاپ اول، قم: اسراء.
۹. داعی نژاد، سیدمحمد علی، ۱۳۸۵ش، *ایمان و آزادی در قرآن*، چاپ اول، تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ق، *لغت نامه*، جلد اول، چاپ دوم، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. شیرازی، محمد بن ابراهیم (صدر الدین)، ۱۳۶۶ق، *تفسیر القرآن الکریم*، جلد ۲ و ۱۶، چاپ اول، مترجم: محمد خواجهوی، قم: بیدار.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمد حسین، ۱۳۹۲ه.ش، *شیعه در اسلام*، چاپ ۱۶، سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
۱۳. عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد حسین، ۱۳۸۵ق، *الامل الامل (تذکره المتبحرین فی العلماء المتأخرین)*، جلد ۱، چاپ اول، السلافه ماحوزی، بغداد: مکتبه الاندس.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۴ش، *آزادی انسان*، چاپ دهم، تهران: بینش مطهر.
۱۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۸۲ش، *فرهنگ فقه فارسی*، جلد اول، چاپ اول، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۱۶. هیک، جان، ۱۳۷۲ش، *فلسفه دین*، چاپ اول، مترجم: بهرام راد، تهران: نشر بین المللی الهدی.